

شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف و ارائه راهبردهای توسعه مشارکت زنان در فرایند تولید محصول پسته شهرستان رفسنجان

محمد رضا زارع مهرجردی*

فاطمه فتحی**، مرتضی خدایی***

چکیده

پسته یکی از محصولات مهم صادراتی است و نیاز شدید به نیروی کار در تمامی مراحل تولید و فراوری این محصول می‌طلبد که زنان، که بخش قابل توجهی از منابع انسانی‌اند، در فرایند تولید حضور یابند. بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مشارکت زنان ضروری است. بدین منظور، ۵۲ کارشناس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه در سال ۱۳۹۲ جمع‌آوری و با به‌کارگیری روش SWOT و نرم‌افزار Spss تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داد که مهم‌ترین نقطه قوت مشارکت زنان انگیزه کسب درآمد و کمک مالی به خانواده، مهم‌ترین ضعف اعتماد به نفس نداشتن زنان، مهم‌ترین فرصت وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ پسته در شهرستان و مهم‌ترین تهدید مشارکت زنان نیاز شدید به نیروی کار و تعصبات به زن بیان شده است. به منظور تقویت نرخ مشارکت زنان راهبردهایی ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها شامل تقویت مدیریت منابع انسانی و ارائه مشوق‌های مادی و معنوی به منظور افزایش انگیزه مشارکت، تغییر در نگرش جامعه به زنان و فراهم کردن فضای اشتغال و درآمدزایی آنان، تأمین امنیت مالی و اخلاقی فضای کسب و کار در بخش کشاورزی، و کنترل فقر روستایی و افزایش بنیه مالی زنان است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت زنان، پسته، رفسنجان، SOWT.

* دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان zare@uk.ac.ir

** دانش‌جوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

F.fathi6229@yahoo.com

*** دانش‌جوی سابق کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان Ram_morteza@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۶

۱. مقدمه

توسعه پایدار که کشاورزی پایدار را به مثابه جزئی از خود می‌طلبد فقط در سایه مشارکت عملی است. تغییری بدین گستردگی فقط در سایه مشارکت تمامی افراد جامعه عملی می‌شود که نیمی از آن را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین مشارکت زنان بخش مهمی از فرایند توسعه پایدار محسوب می‌شود. نگرش سیستمی به توسعه روستایی پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد. فقدان روحیه مشارکت در زنان جامعه فعالیت اقتصادی و اجتماعی آن جامعه را با مخاطرات گوناگون مواجه خواهد کرد و حتی ممکن است حرکت‌ها و برنامه‌های بخش‌های مختلف اقتصادی را با مشکل مواجه کند (میرترابی و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۱۴۹-۱۶۷). اقتصاددانان بر این باورند که ویژگی و روند توسعه اقتصادی به کمک منابع انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای است، بلکه عامل پیش‌برد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود. زنان روستایی گروهی از این منابع انسانی‌اند که از عوامل بالقوه توسعه روستایی محسوب می‌شوند (کرمی و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۵۳).

زنان روستایی به صورت مستقیم در تولید محصولات باغی، زراعی، دامی و صنایع روستایی نقش دارند و به لحاظ کمک به بخش کشاورزی، در نقش نیروی کار، توان درخور توجهی در جامعه به حساب می‌آیند. سهم این افراد در کشورهای جهان سوم به مراتب بیش‌تر از سایر کشورهاست. معمولاً آمار و ارقامی که در خصوص سهم زنان در تولیدات کشاورزی ارائه می‌شود بسیار کم‌تر از حد واقعی است، چرا که در آمارها در بیش‌تر موارد اشتغال فصلی، پاره‌وقت، بدون مزد و فعالیت‌های خانه‌داری منظور نشده است (جهرمی و محبوبی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۲). به رغم تمامی موانع، نیروی کار زنان عاملی مهم در فعالیت‌های کشاورزی است و فعالیت‌های تولیدی زنان نقش مؤثری در بقا و افزایش درآمد، رفاه و آسایش خانوار روستایی دارد و پیامد آن بهبود وضعیت تغذیه، بهداشت، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، افزایش سواد و ارتقای منزلت اجتماعی خانوار روستایی است (شاطری و روستا، ۱۳۹۰: ۶۱-۸۳).

زنان نیمی از جمعیت جامعه روستایی را تشکیل می‌دهند و از تولیدکنندگان عمده غذا و درآمد برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شوند؛ زیرا آنان علاوه بر جمع‌آوری سوخت، علوفه و آب، فعالیت‌های دیگری چون آشپزی و مواظبت از بچه‌ها، تولید محصولات زراعی، فعالیت‌های دام‌پروری، کاشت، داشت، برداشت، بازاریابی و فروش

محصولات کشاورزی و باغی، تهیه فرآورده‌های لبنی، تولید صنایع دستی و پخت نان را در جامعه به عهده دارند، به طوری که بر اساس گزارش بانک جهانی، آن‌ها روزانه حدود ۹۰ درصد از وقتشان را صرف آماده کردن و فرآوری غذا می‌کنند (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۵۷-۶۴)؛ بنابراین، تولید بخش مهمی از محصولات کشاورزی را در جهان به عهده دارند. در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی به طور عمده به دست زنان انجام می‌شود. به طوری که در افریقا حدود سه‌چهارم از محصولات غذایی را زنان تولید می‌کنند (هوشمندان مقدم فرد و حاتمی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۴).

یکی از موضوعاتی که توجه محققان را به خود جلب کرده متفاوت بودن عوامل مؤثر در مشارکت زنان روستایی در بازار کار است. امروزه مشخص شده است که در کشورهای پردرآمد با فناوری پیش‌رفته، فعالیت زنان از جنبه‌های گوناگون به سرعت در حال دگرگونی است و این امر حتی در بسیاری از کشورهای کم‌درآمد نیز به چشم می‌خورد (Fliescher and Applebam, 1992: 52-63). سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت زنان از اهمیت خاصی برخوردار است. اساساً در فرایند مشارکت زنان روستایی در اقتصاد و توسعه دو مرحله تشخیص داده می‌شود: مرحله اول اقداماتی است که برای بهبود موقعیت زنان به مثابه بهره‌بردار از این فرایند صورت می‌گیرد؛ مرحله دوم طراحی سیاست‌ها برای توان‌مندسازی بیش‌تر زنان روستایی در جهت مشارکت در فرایند توسعه است (Arriyada, 1989: 90-105).

پسته یکی از مهم‌ترین محصولات کشاورزی کشور است که از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... اهمیت بسیاری دارد و به مثابه یک محصول استراتژیک بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد (گزارش کمیسیون بازرگانی انجمن پسته ایران، ۱۳۹۱). در حال حاضر، شهرستان رفسنجان مهم‌ترین منطقه پسته‌کاری ایران و جهان محسوب می‌شود؛ این شهرستان زادگاه متنوع‌ترین و مرغوب‌ترین پسته جهان است و بزرگ‌ترین جنگل مصنوعی ساخته دست بشر از درختان پسته در جهان در حوزه این شهر قرار دارد (حسینی و هم‌کاران، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۸). از آن‌جا که زنان نقش چشم‌گیری در تمامی مراحل تولید و فرآوری محصول پسته ایفا می‌کنند، در این تحقیق سعی می‌شود راه‌بردهایی برای افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی شهرستان رفسنجان ارائه شود؛ بنابراین، هدف اصلی این تحقیق شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف مشارکت زنان شهرستان در فعالیت‌های مربوط به تولید محصول پسته با استفاده از روش SWOT است.

۲. پیشینه تحقیق

سیدهو و هم‌کاران علت اصلی مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی را در درجه اول احساس مسئولیت آنها و بعد کسب درآمد و کمک به اقتصاد خانواده بیان کرده‌اند (Sidhu et al., 2007). به بیان ادريسا و هم‌کاران، انگیزه اصلی شرکت زنان در فعالیتهای کشاورزی کسب درآمد است که در این خصوص میان سن، تحصیلات و شغل اصلی زنان و میزان مشارکت آنها تفاوت معناداری دیده شده است (Idrisa et al., 2007: 72-78). آچری و هم‌کاران روی آوردن زنان به اقتصاد بازار را موجب تأثیر مثبت آنان در اختصاص منابع و افزایش نقش آنان در تصمیم‌گیری‌های خانگی دانسته‌اند (Achary et al., 1983: 211-253). آکلی به این نتایج دست یافت که بیش‌تر زنان جهان سوم، به علت حاکمیت فرهنگ مردسالار، برای مشارکت در فعالیتهای توسعه پایدار با موانعی نیرومند مواجه‌اند و با وجود پیش‌رفت‌های دهه اخیر زنان روستایی با مانعی اضافی به نام ارزش‌های فرهنگی نیز روبه‌رو شده‌اند، که نقش‌های نسبت داده شده به زنان را تأیید می‌کند و مشارکتشان را در فعالیتهای اجتماعی جایز نمی‌داند (Oakley, 1991). مآتر، با بررسی میزان مشارکت زنان و مردان در بخش روستایی و شهری، به این نتیجه رسیده است که فرزندان، سطح تحصیلات و میزان وظایف دست‌وپاگیر خانوادگی بر مشارکت آنها در توسعه روستایی تأثیر می‌گذارد (Mathur, 1994: 466-504). نتایج مطالعه جیل و هم‌کاران علت اصلی مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی را در درجه اول احساس مسئولیت آنها و پس از آن کسب درآمد و کمک به اقتصاد خانواده معرفی کردند (Gill et al., 2007). هم‌چنین، جتی نشان داد که بیش‌ترین مشارکت زنان به‌ترتیب در کندن زمین، انبار کردن و درجه‌بندی کردن بوده است (Jethi, 2008: 63-65). حجازی و هم‌کاران (۱۳۸۸) بیان کردند که رابطه مثبتی میان متغیر مشارکت در فعالیتهای پس از برداشت و متغیرهای تعداد افراد خانوار، درآمد، عضویت، میزان حضور در دوره‌های آموزشی - ترویجی، استفاده از کانال‌های ارتباطی و میزان مشارکت در شکل‌ها و تعاونی‌ها برقرار است. فتوتی و هم‌کاران (۱۳۹۱) نیز معتقدند که زنان در فعالیتهای تولیدی مرتبط با صنایع دستی در مقایسه با سایر فعالیتهای مشارکت بیش‌تری داشتند و نیز ارتباط مثبتی میان سن و بعد خانوار و میزان مشارکت در فعالیتهای اقتصادی برقرار است.

۳. چهارچوب نظری

۱.۳ زنان روستایی و مشارکت

کامپ (Kamnap, 2003) مشارکت را به معنای تقسیم یک فعالیت می‌داند. مردم هر روز به واسطه زندگی خانوادگی، فعالیت‌های معیشتی و مسئولیت‌های اجتماعی، در توسعه روستایی مشارکت می‌کنند. عده‌ای مشارکت را عنصری کلیدی در توسعه قلمداد کرده‌اند. چنانچه بتوان مشارکت را به طور معناداری در فرایند توسعه دخالت داد، موفقیت آن تضمین خواهد شد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۶۱-۸۳). در تعریف سازمان ملل متحد مشارکت این‌گونه تعریف شده است:

دخالت دادن و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارند. در این تعریف، مشارکت نوعی از فراگرد پایین به بالا پنداشته می‌شود که بر گسترده شدن و پخش هر چه بیش‌تر اقتدار و بازگشودن فرصت‌های پیش‌رفت برای رده‌های زیرین جامعه تأکید دارد (فتوتی و هم‌کاران، ۱۳۹۱: ۶۷۷-۶۹۲).

به طور کلی می‌توان گفت، در فرایند توسعه پایدار، مشارکت متغیری اساسی است و درون‌زایی و عدالت‌خواهانه بودن زنان را که نیمی از افراد جامعه‌اند به مشارکت فرامی‌خواند. بحث و سخن‌های اخیر در باب توسعه نشان داده است که نه تنها در فرایند توسعه اکثر کشورهای جهان سوم موقعیت اجتماعی گروه‌های محروم و از جمله زنان بهبود نیافته است، بلکه تضادهای موجود میان نقش سنتی زنان و تقاضای ایشان در شرایط گذار به تردید در مفهوم توسعه نیز منجر شده است. مشارکت متناسب و ملازمه توسعه پایدار آن است که اولاً مبتنی بر آگاهی، اراده و خواست افراد باشد و ثانیاً نامحدود باشد؛ بدین معنی که دربرگیرنده تمامی عرصه‌های کار و زندگی باشد (همان).

کار زنان روستایی، به علت دریافت نکردن دست‌مزد، حقیر، پست و نامنظم انگاشته می‌شود و از مسیر طبیعی جریان توسعه بازمی‌ماند، که این امر می‌تواند پیامد پیش‌بینی‌نشده بسیار منفی و مخربی برای کل ساختار جامعه داشته باشد. اثرهای کار زنان روستایی در محاسبات تولید ناخالص ملی کشور لحاظ نمی‌شود، زیرا مزدی در قبال انجام دادن کار دریافت نمی‌کنند و، از سوی دیگر، برخی از محصولاتی که آن‌ها در بخش کشاورزی تولید می‌کنند در بازار مبادله به فروش نمی‌رسد و به مصرف خانوار می‌رسد (امینی، ۱۳۸۶: ۱۳-۲۵).

رابرت لیپست بر این باور بود که مردان بیش از زنان، آموزش دیده‌ها بیش از بی‌سوادها، شهرنشینان بیش از روستاییان، ۳۵-۵۵ ساله‌ها بیش از جوانان و پیرها، متأهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و اعضای سازمان‌ها بیش از غیرعضوها در فرایندهای مشارکت فعال‌اند. مهم‌ترین متغیرهایی که لیپست بر آن‌ها تأکید می‌کند شامل درآمد، تحصیلات، شغل، رنگ پوست، سن، جنسیت، محل سکونت و وضعیت تأهل است. لیپست بر این باور است که روی هم رفته طبقه متوسط به هم‌نوایی با ارزش‌های غالب جامعه و پذیرش این نظر گرایش بیش‌تری دارد که این هم‌نوایی با نیل به اهداف شخصی جبران می‌شود؛ بی‌علاقگی به سیاست با ناهم‌نوایی که در سایر طبقات وجود دارد مرتبط است (Lipset, 2002).

ساموئل هانتینگتون عواملی را برای پیدایش مشارکت برمی‌شمارد که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرارند: ۱. فرض وجود کم‌ترین اجماع و اندیشه مشترک که بتواند بنیاد جامعه را حفظ کند؛ ۲. فرض وجود آزادی عمل در حوزه امور عمومی؛ ۳. تلقی نظری، اجتهادی و غیرتبعیدی از تصمیم‌های سیاسی؛ ۴. امکان برابری فرصت‌ها و امید فرد برای تأثیرگذاری در تصمیم‌ها و نهادهای سیاسی در صورت تلاش؛ ۵. امکان اظهار مخالفت و تعیین مرزهای آن، مشروعیت و وجود نهادهای بسیج‌کننده (Huntington, 1991).

۴. روش تحقیق

این تحقیق به شیوه پیمایشی در رفسنجان انجام شده است. جامعه آماری کارشناسان کشاورزی شامل ۱۴۶ نفر کارشناس است و، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، ۵۲ نفر برای اجرای پژوهش انتخاب شدند. منظور از کارشناسان فارغ‌التحصیلان گرایش‌های گوناگون کشاورزی شاغل در مدیریت جهاد کشاورزی، سازمان نظام مهندسی و مرکز تحقیقات پسته کشور در رفسنجان است. به منظور تعیین اعتبار پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب با مقدار ۰/۸۷ اعتبار پرسش‌نامه‌ها را تأیید کرده است.

هر گونه برنامه‌ریزی برای توسعه و تقویت مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی نیازمند شناخت دقیق مسائل، مشکلات و چالش‌های رو در روی آن‌ها از یک طرف و نقاط قوت و فرصت‌های آن‌ها از طرف دیگر است؛ بنابراین، در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از مدل SWOT (که از روش‌های مناسب در تحلیل اقدامات در

فرایند برنامه‌ریزی راه‌بردی است) استفاده شده است. مدل SWOT شناسایی نظام‌مند عواملی است که راه‌برد باید بهترین سازگاری را با آن‌ها داشته باشد. منطق رویکرد ذکر شده این است که راه‌برد تأثیرگذار باید قوت‌ها و فرصت‌های هر مجموعه را حداکثر کند و ضعف‌ها و تهدیدها را به کم‌ترین میزان برساند (پیرسن و رابینسون، ۱۳۸۸).

فرصت‌ها (opportunities) موقعیت‌های مطلوب و مهم در محیط به شمار می‌آیند (گلشیری اصفهانی و سرایی، ۱۳۸۹). منظور از تهدیدها (threats) موقعیت‌های نامطلوب، اما به هر حال پراهمیت در محیط است که موانعی اساسی برای موقعیت جاری یا آتی مورد نظر محیط ایجاد کنند. قوت‌ها (strengths) وجود هر نوع منبع، مهارت و یا مزیت خاص در مجموع و یا حوزه‌ای مشخص‌اند. ضعف‌ها (weaknesses) محدودیت‌ها یا ناکارآمدی در استفاده از منابع و مهارت‌ها و توانایی‌هایند که به هر حال کاستی‌ها و موانعی جدی برای عملکرد موفقیت‌آمیز هر مجموعه یا محیط برنامه‌ریزی به شمار می‌آیند. با توجه به آنچه بیان شد، شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اصلی و تعیین‌کننده‌ای که مجموعه‌ها یا حوزه‌ها با آن روبه‌رویند در شناسایی راه‌بردهای واقعی که از میان آن‌ها می‌توانند استراتژی مناسب را برگزینند و افزون بر این‌ها حوزه‌های تأثیرگذار و ثمربخش را نیز مشخص می‌کنند به برنامه‌ریزان و مدیران کمک می‌کند؛ بنابراین، می‌توان از تجزیه و تحلیل SWOT با شناسایی فرصت‌های اصلی بیرونی و تهدیدها به صورت نظام‌مند با نقاط قوت و ضعف درونی و مقایسه آن‌ها در رویکردی ساختاری شده در تصمیم‌گیری‌های مربوط به انتخاب استراتژیک استفاده کرد. هدف از این مقایسه شناسایی یکی از چهار الگوی خاص برای سازگاری موقعیت‌های داخلی و خارجی هر مجموعه است (گلشیری اصفهانی و سرایی، ۱۳۸۹).

الگوی ۱ یا تدافعی (حداقل - حداقل (Mini-Mini Strategy)): این الگو که می‌توان آن را الگوی بقا نیز نامید کاهش ضعف‌های سیستم برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدهاست. از این رو سعی می‌کند نقاط ضعف خود را به نوعی پوشش دهد؛

الگوی ۲ یا محافظه‌کارانه (حداقل - حداکثر (Mini-Maxi Strategy)): در این الگو تلاش می‌شود تا، با کاستن از ضعف‌ها، حداکثر استفاده از فرصت‌های موجود به عمل آید. در این حالت باید نهایت تلاش برای جبران ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود با استفاده از فرصت‌های محیطی به کار بسته شود؛

الگوی ۳ یا رقابتی (حداکثر - حداقل (Maxi-Mini Strategy)): این الگو بر پایه بهره‌گرفتن از قوت‌های سیستم برای مقابله با تهدیدها تدوین می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدهاست (گودرزی و هم‌کاران، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۷)؛

الگوی ۴ یا تهاجمی (حداکثر - حداکثر (Maxi-Maxi Strategy)): تمام سیستم‌ها خواهان وضعیتی‌اند که در آن وضعیت بتوانند هم‌زمان نقاط قوت و فرصت‌های خود را به حداکثر برسانند. این حالت مطلوب‌ترین و مناسب‌ترین حالت برای سازمان است. در چنین وضعیتی، سازمان با استفاده از نقاط قوت خود می‌تواند گام‌هایی را در مسیر گسترش بازار تولیدات و خدمات خود بردارد (گلکار، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۹).

جدول ۱. ماتریس SWOT و چگونگی تعیین راهبردها

ماتریس SWOT	نقاط قوت	نقاط ضعف
فرصت‌ها	راهبرد SO	راهبرد WO
تهدیدها	راهبرد ST	راهبرد WT

در مطالعه حاضر، برای رعایت اصول و قواعد تحقیق مشارکتی، ابتدا نکات ذکر شده با استفاده از پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت طراحی و با کمک نمونه‌ها (۵۲ کارشناس) امتیازدهی شد. سپس در پنج گام اطلاعات کمی به دست آمده تجزیه و تحلیل شد: گام اول، جمع امتیازهای به دست آمده بر اساس طیف لیکرت محاسبه و نتیجه آن در ستون مجموع وزن‌ها در تمامی زیرمجموعه‌ها بر اساس چهار بخش اصلی مدل SWOT ارائه شد؛

گام دوم، بر اساس تقسیم مجموع وزن‌های به دست آمده بر تعداد نمونه‌ها، میانگین وزنی هر کدام از زیرمجموعه‌ها برای کل جامعه نمونه به صورت جداگانه محاسبه و در ستون میانگین وزن‌ها ارائه شد؛

گام سوم، امتیاز به دست آمده در هر کدام از زیرمجموعه‌ها بر تعداد گویه‌های موجود در آن گروه تقسیم و نتایج آن در ستون وزن نسبی (R) ارائه شد؛

گام چهارم، از آن‌جا که بهترین حالت در مدیریت راهبردی عبارت است از آن‌که مجموع برابر با یک یا صد باشد، مجموع مخرج $(\sum_{i=1}^n W_i + \sum_{i=1}^n S_i + \sum_{i=1}^n T_i + \sum_{i=1}^n O_i)$ برابر با یک یا صد می‌شود. در این حالت، به هر کدام از زیرمجموعه‌های SWOT ۰/۲۵ یا ۲۵ تعلق می‌گیرد.

$$\frac{100 = \text{راهبرد}}{(\sum_{i=1}^n W_i + \sum_{i=1}^n S_i + \sum_{i=1}^n T_i + \sum_{i=1}^n O_i) = 100} = 100$$

و از این رو، برای محاسبه مقیاس (M) هر کدام از عوامل در زیرمجموعه‌ها (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) از معادله زیر استفاده می‌کنیم:

$$MS_i = \frac{25 \times RS_i}{\sum_{i=1}^n RS_i} \quad Mt_i = \frac{25 \times Rt_i}{\sum_{i=1}^n Rt_i} \quad Mo_i = \frac{25 \times Ro_i}{\sum_{i=1}^n Ro_i} \quad Mw_i = \frac{25 \times Rwi}{\sum_{i=1}^n Rwi}$$

گام پنجم، برای به دست آوردن اولویت‌ها، مقدار مقیاس به دست آمده در هر کدام از زیرمجموعه‌ها جمع شد و، به ترتیب، بیش‌ترین مقدار در اولویت اول و کم‌ترین مقدار در اولویت آخر قرار گرفت (رکن‌الدین افتخاری و هم‌کاران، ۱۳۸۹: ۱-۲۹).

جدول ۲. ماتریس SWOT عوامل اصلی تأثیرگذار بر مشارکت زنان در فرایند تولید محصول پسته شهرستان رفسنجان

عوامل داخلی	عوامل خارجی
قوت‌ها	فرصت‌ها
S ₁ : انگیزه کسب درآمد و کمک مالی به خانواده	O ₁ : وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ پسته و نیاز شدید به نیروی کار
S ₂ : روحیه رقابت‌پذیری و قناعت زنان	O ₂ : بالا بودن استفاده از نیروی کار خانوادگی در مراحل تولید و فراوری
S ₃ : احساس مفید بودن و مسئولیت‌پذیری بالا	O ₃ : حمایت دولت از توسعه مشاغل خانگی و امکان انجام دادن بخشی از عملیات فراوری پسته در منزل
S ₄ : تجربه بالا در فعالیت‌های کشاورزی	O ₄ : وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان گرایش‌های گوناگون کشاورزی بین زنان
S ₅ : خلاقیت و نوآوری زنان روستایی	O ₅ : برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها برای بهبود نرخ مشارکت زنان
S ₆ : برخورداری از اوقات فراغت	O ₆ : برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای زنان از سوی نهادها
S ₇ : آگاهی از مزایای شرکت در فعالیت‌های کشاورزی	O ₇ : ارزش اقتصادی بالای محصول پسته
	O ₈ : مشارکت و عضویت در مجامع و برقرار کردن تعامل اجتماعی
	O ₉ : عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی
	O ₁₀ : استفاده از منابع اطلاعاتی چون رایانه و اینترنت
ضعف‌ها	تهدیدها
W ₁ : ضعف اعتماد به نفس زنان	T ₁ : تعصبات به زن و اجازه حضور در اجتماع نداشتن
W ₂ : استقلال نداشتن و ضعف بنیه مالی زنان	T ₂ : نگرش منفی مردان به توانمندی زنان
W ₃ : حجم زیاد فعالیت‌های داخل خانه و صرف وقت زیاد برای مراقبت و نگهداری از فرزندان	T ₃ : گرایش فارغ‌التحصیلان کشاورزی زن به مشاغل اداری و پرهیز از فعالیت‌های تولیدی
W ₄ : کمبود اطلاعات، دانش و مهارت تخصصی زنان روستایی	T ₄ : پایین بودن دست‌مزد زنان در مقایسه مردان
W ₅ : بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی	T ₅ : دست‌رسی محدود به آموزش‌های عمومی و خدمات آموزشی ترویجی
W ₆ : بیمه نبودن زنان روستایی	T ₆ : کم‌کاری رسانه‌ها در بهبود فرهنگ اشتغال زنان
W ₇ : بالا بودن سن و بیماری و وضعیت جسمانی	T ₇ : طراحی نکردن برنامه‌ها به گونه‌ای متناسب با نیاز زنان
	T ₈ : ناآگاهی زنان از حقوق قانونی و اجتماعی خویش
	T ₉ : نبود نگاه برابر در نهادهای دولتی به زنان و مردان و سرمایه‌گذاری نکردن برای زنان
	T ₁₀ : مناسب نبودن فعالیت‌های کشاورزی با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵. یافته‌های تحقیق

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه کارشناسان نمونه مورد مطالعه مهم‌ترین نقاط قوت مشارکت زنان در فعالیتهای مربوط به تولید محصول پسته، به ترتیب اهمیت، شامل انگیزه کسب درآمد و کمک مالی به خانواده، روحیه رقابت‌پذیری و قناعت زنان روستایی، احساس مفید بودن و حس مسئولیت‌پذیری، تجربه بالا در فعالیتهای کشاورزی و دامپروری، خلاقیت و نوآوری زنان روستایی، برخورداری از اوقات فراغت و سطح سواد و آگاهی از مزایای شرکت در فعالیتهای کشاورزی است.

جدول ۳. نقاط قوت و ضعف (مجموع و میانگین وزن‌ها، وزن نسبی، مقیاس و اولویت‌بندی) از دید کارشناسان

اولویت	مقیاس	وزن نسبی	میانگین وزن‌ها	مجموع وزن‌ها	SWOT
۱	۴/۳	۱	۶/۸	۳۵۲	انگیزه کسب درآمد و کمک مالی به خانواده
۲	۴/۱	۰/۹	۶/۴	۳۳۲	روحیه رقابت‌پذیری و قناعت زنان روستایی
۳	۴	۰/۹	۶/۳	۳۲۶	احساس مفید بودن و حس مسئولیت‌پذیری بالا
۴	۳/۹	۰/۹	۶/۲	۳۲۲	تجربه بالا در فعالیتهای کشاورزی و دامپروری
۵	۳/۵	۰/۸	۵/۵	۲۸۸	خلاقیت و نوآوری زنان روستایی
۶	۲/۷	۰/۶	۴/۲	۲۱۸	برخورداری از اوقات فراغت
۷	۲/۶	۰/۶	۴/۲	۲۱۶	میزان آگاهی از مزایای شرکت در فعالیتهای کشاورزی
	۲۵	۵/۶			جمع
۱	۶/۶۲	۱/۰۱	۷/۰۴	۳۶۶	ضعف اعتماد به نفس زنان
۲	۳/۹۴	۰/۶	۴/۱۹	۲۱۸	استقلال نداشتن و ضعف بنیه مالی زنان
۳	۳/۴	۰/۵۲	۳/۶۲	۱۸۸	حجم زیاد فعالیتهای داخل خانه و صرف وقت زیاد برای مراقبت و نگهداری از فرزندان
۴	۲/۹۶	۰/۴۵	۳/۱۵	۱۶۴	کمبود اطلاعات، دانش و مهارت تخصصی زنان روستایی
۵	۲/۹	۰/۴	۳/۱	۱۶۰	بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی
۶	۲/۷۵	۰/۴۲	۲/۹۲	۱۵۲	بیمه نبودن زنان روستایی
۷	۲/۴۶	۰/۳۷	۲/۶۲	۱۳۶	بالا بودن سن و بیماری و وضعیت جسمانی
	۲۵	۳/۸			جمع

هم‌چنین، در شناسایی مهم‌ترین نقاط ضعف مشارکت زنان، به‌ترتیب، ضعف اعتماد به نفس زنان، استقلال نداشتن و ضعف بنیه مالی، حجم زیاد فعالیت‌های داخل خانه و صرف وقت زیاد برای مراقبت و نگهداری از فرزندان، کمبود اطلاعات، دانش و مهارت تخصصی، بی‌سوادی و کم‌سوادی، بیمه نبودن زنان روستایی و بالا بودن سن و بیماری و وضعیت جسمانی مهم‌ترین موانع توسعه مشارکت زنان در فعالیت‌های مربوط به تولید محصول پسته‌اند.

نتایج مربوط به بررسی عوامل خارجی تأثیرگذار بر مشارکت زنان در فعالیت‌های مربوط به تولید محصول پسته در دو بعد فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در جدول ۴ آورده شده است.

نتایج این جدول نشان می‌دهد، از دیدگاه کارشناسان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توسعه مشارکت زنان (فرصت‌ها)، به‌ترتیب، شامل وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ پسته در شهرستان و نیاز شدید به نیروی کار، بالا بودن استفاده از نیروی کار خانوادگی در مراحل تولید و فراوری محصول پسته، حمایت دولت از توسعه مشاغل خانگی و امکان انجام دادن بخشی از عملیات فراوری پسته در منزل، وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان گرایش‌های مختلف رشته کشاورزی در بین زنان، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها برای بهبود نرخ مشارکت زنان، برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای زنان از سوی نهادهای مربوطه، ارزش اقتصادی بالای محصول پسته، مشارکت و عضویت در مجامع و برقرار کردن تعامل اجتماعی، عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی و استفاده از منابع اطلاعاتی چون رایانه و اینترنت است.

جدول ۴. فرصت‌ها و تهدیدها

(مجموع و میانگین وزن‌ها، وزن نسبی، مقیاس و اولویت‌بندی) از دید کارشناسان

SWOT					
اولویت	مقیاس	وزن نسبی	میانگین وزن‌ها	مجموع وزن‌ها	توضیحات
۱	۳/۲۳	۰/۶۵	۶/۵	۳۳۸	وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ پسته در شهرستان و نیاز شدید به نیروی کار
۲	۳/۱۷	۰/۶۴	۶/۳۸	۳۳۲	بالا بودن استفاده از نیروی کار خانوادگی در مراحل تولید و فراوری محصول
۳	۳/۱۱	۰/۶۳	۶/۲۵	۳۲۵	حمایت دولت از توسعه مشاغل خانگی و امکان انجام دادن بخشی از عملیات فراوری پسته در منزل

۱۰۴ شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف و ارائه راهبردهای توسعه مشارکت زنان

۴	۳/۰۸	۰/۶۲	۶/۱۹	۳۲۲	وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان گرایش‌های مختلف کشاورزی در بین زنان	
۵	۳/۰۴	۰/۶۱	۶/۱۲	۳۱۸	برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها برای بهبود نرخ مشارکت زنان	
۶	۲/۷	۰/۵	۵/۳	۲۸۸	برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای زنان از سوی نهادهای مربوطه	
۷	۲/۰۳	۰/۴۱	۴/۰۸	۲۱۲	ارزش اقتصادی بالای محصول پسته	
۸	۱/۹۷	۰/۴	۳/۹۶	۲۰۶	مشارکت و عضویت در مجامع و برقرار کردن تعامل اجتماعی	
۹	۱/۶	۰/۳	۳/۳	۱۷۲	عضویت در شرکت‌های تعاونی روستایی	
۱۰	۱/۱۳	۰/۲۳	۲/۲۷	۱۱۸	استفاده از منابع اطلاعاتی چون رایانه و اینترنت	
	۲۵	۵			جمع	
۱	۳/۵۹	۰/۷۳	۷/۳۵	۳۸۲	تعصبات به زن و اجازه حضور نداشتن وی در اجتماع	تهدیدها
۲	۳/۴۶	۰/۷۱	۷/۰۸	۳۶۸	نگرش منفی مردان به توانمندی زنان	
۳	۳/۳۹	۰/۶۹	۶/۹۲	۳۶۰	گرایش فارغ‌التحصیلان کشاورزی زن به مشاغل اداری و پرهیز از فعالیت‌های تولیدی	
۴	۳/۰۹	۰/۳۵	۶/۳۱	۳۲۸	پایین بودن دست‌مزد زنان در مقایسه مردان	
۵	۳/۰۵	۰/۶۲	۶/۲۳	۳۲۴	دست‌رسی محدود به آموزش‌های عمومی و خدمات آموزشی ترویجی	
۶	۲/۵	۰/۵	۵/۱	۲۶۶	کم‌کاری رسانه‌ها در بهبود فرهنگ اشتغال زنان	
۷	۱/۹۸	۰/۴	۴/۰۴	۲۱۰	طراحی نکردن برنامه‌ها متناسب با نیاز زنان	
۸	۱/۷۳	۰/۳۵	۳/۵۴	۱۸۴	ناآگاهی زنان از حقوق قانونی و اجتماعی خویش	
۹	۱/۲۲	۰/۲۵	۲/۵	۱۳۰	نبود نگاه برابر در نهادهای دولتی به زنان و مردان و سرمایه‌گذاری نکردن برای زنان	
۱۰	۰/۸۷	۰/۱۸	۱/۷۷	۹۲	مناسب نبودن فعالیت‌های کشاورزی با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان	
	۲۵	۵/۱			جمع	

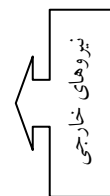
مأخذ: یافته‌های تحقیق

در مقابل، مهم‌ترین موانع توسعه مشارکت زنان (تهدیدها) شامل تعصبات به زن و اجازه حضور نداشتن وی در اجتماع، نگرش منفی مردان به توان‌مندی زنان، گرایش فارغ‌التحصیلان کشاورزی زن به مشاغل اداری و پرهیز از فعالیت‌های تولیدی، پایین بودن دست‌مزد زنان در مقایسه با مردان، دسترسی محدود به آموزش‌های عمومی و خدمات آموزشی ترویجی، کم‌کاری رسانه‌ها در بهبود فرهنگ اشتغال زنان، طراحی نکردن برنامه‌ها متناسب با نیاز زنان، ناآگاهی زنان از حقوق قانونی و اجتماعی خویش، نبود نگاه برابر در نهادهای دولتی به زنان و مردان، سرمایه‌گذاری نکردن برای زنان، و مناسب نبودن فعالیت‌های کشاورزی با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان است.

پس از شناسایی مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف و هم‌چنین فرصت‌ها و تهدیدها، راهبردهای توسعه مشارکت زنان در تولید محصول پسته در جدول ۵ ارائه شده است. بر اساس یافته‌های این جدول، مهم‌ترین راهبردهای تنوع شامل تغییر در نگرش جامعه به زنان و فراهم کردن فضای اشتغال و درآمدزایی آنان، ایجاد بسترهای مناسب اشتغال فارغ‌التحصیلان زن در فعالیت‌های تولیدی و ارائه سازوکارهای متناسب با آن، بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری زنان روستایی و برقراری تعادل میان دست‌مزد زنان و مردان، افزایش آگاهی زنان از حقوق قانونی و اجتماعی خود و بهبود فرهنگ کارآفرینی در آنان است و مهم‌ترین راهبردهای رقابتی - تهاجمی شامل تقویت مدیریت منابع انسانی و ارائه مشوق‌های مادی و معنوی برای افزایش انگیزه مشارکت زنان، تقویت روحیه رقابت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش زنان، ارائه وام و اعتبارات کم‌بهره به منظور توسعه مشاغل خانگی و اشتغال فارغ‌التحصیلان، برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی به منظور افزایش خلاقیت و نوآوری زنان است.

جدول ۵. خلاصه راهبردها و راه‌کارهای توسعه مشارکت زنان در فعالیت‌های مربوط به تولید محصول پسته

فرصت‌ها	تهدیدها
O ₁ : وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ	T ₁ : تعصبات به زن ...
O ₂ : بالا بودن استفاده از نیروی کار خانوادگی ...	T ₂ : نگرش منفی مردان به توان‌مندی زنان
O ₃ : حمایت دولت از توسعه مشاغل ...	T ₃ : گرایش فارغ‌التحصیلان کشاورزی زن..
O ₄ : وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان ...	T ₄ : پایین بودن دست‌مزد زنان ...
O ₅ : برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان...	T ₅ : دسترسی محدود به آموزش‌های ...
O ₆ : برگزاری دوره آموزشی و ترویجی



تحلیل SWOT

<p>T₆: کم‌کاری رسانه‌ها در بهبود فرهنگ ... T₇: طراحی نکردن برنامه‌ها به گونه ... T₈: ناآگاهی زنان از حقوق قانونی ... T₉: نبود نگاه برابر نهادهای دولتی ... T₁₀: مناسب نبودن فعالیت‌های</p>	<p>O₇: ارزش اقتصادی بالای محصول پسته O₈: مشارکت و عضویت در مجامع ... O₉: عضویت در تعاونی‌های روستایی O₁₀: استفاده از منابع اطلاعاتی ...</p>	<p style="text-align: center;">نیروهای داخلی</p> 
<p>راهبردهای تنوع (ST) * تغییر در نگرش جامعه به زنان و فراهم کردن فضای اشتغال و درآمدزایی آنان * ایجاد بسترهای مناسب اشتغال فارغ‌التحصیلان زن در فعالیت‌های تولیدی و ارائه سازوکارهای متناسب با آن * بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری زنان روستایی و برقراری تعادل میان دست‌مزد زنان و مردان * افزایش آگاهی زنان از حقوق قانونی و اجتماعی خود و بهبود فرهنگ کارآفرینی</p>	<p>راهبردهای رقابتی - تهاجمی (SO) * تقویت مدیریت منابع انسانی و ارائه مشوق‌های مادی و معنوی به منظور افزایش انگیزه مشارکت زنان * تقویت روحیه رقابت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش زنان * ارائه وام و اعتبارات کم‌بهره به منظور توسعه مشاغل خانگی و اشتغال فارغ‌التحصیلان * برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی به منظور افزایش خلاقیت و نوآوری</p>	<p>قوت‌ها S₁: انگیزه کسب درآمد و کمک مالی به خانواده S₂: روحیه رقابت‌پذیری و قناعت زنان روستایی S₃: احساس مفید بودن و مسئولیت‌پذیری بالا S₄: تجربه بالا در فعالیت‌های روستایی S₅: خلاقیت و نوآوری زنان روستایی S₆: برخورداری از اوقات فراغت S₇: آگاهی از مزایای شرکت در فعالیت‌های کشاورزی</p>
<p>راهبردهای تدافعی (WT) * کنترل فقر روستایی و افزایش بنیه مالی زنان * کنترل بی‌سوادی و کم‌سوادی، افزایش دانش و مهارت زنان از طریق آموزش * ارائه راهکارهای مناسب برای اشتغال زنان در فعالیت‌های متناسب با وضعیت جسمی و روحی آنان * اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های ناموفق در بهبود نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی</p>	<p>راهبردهای بازنگری (WO) * تأمین امنیت مالی و اخلاقی فضای کسب و کار در بخش کشاورزی * بازنگری در روش‌های آموزشی و مهارتی و توجه بیشتر به آموزش‌های عملی و کارآتر * گسترش پوشش بیمه زنان شاغل و خانواده‌های روستایی و ایجاد امنیت شغلی * گسترش شبکه بهداشت و درمان در مناطق روستایی و ارتقای سلامت جسمی و روانی</p>	<p>ضعف‌ها W₁: ضعف اعتماد به نفس زنان W₂: استقلال نداشتن و ضعف بنیه مالی زنان W₃: حجم زیاد فعالیت‌های داخل خانه و ... W₄: کمبود اطلاعات، دانش و ... W₅: بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی W₆: بیمه نبودن زنان روستایی W₇: بالا بودن سن و بیماری و وضعیت جسمانی</p>

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هم‌چنین، راه‌بردهای بازنگری ارائه‌شده شامل تأمین امنیت مالی و اخلاقی فضای کسب و کار، بازنگری در روش‌های آموزشی و مهارتی و توجه بیش‌تر به آموزش‌های عملی و کاراتر، گسترش پوشش بیمه زنان شاغل و ایجاد امنیت شغلی، گسترش شبکه بهداشت و درمان در مناطق روستایی و ارتقای سلامت جسمی و روانی زنان است و در نهایت راه‌بردهای تدافعی شامل کنترل فقر روستایی و افزایش بنیه مالی زنان، کنترل بی‌سوادی و افزایش دانش و مهارت زنان از طریق آموزش، ارائه راه‌کارهای مناسب برای اشتغال زنان در فعالیتهای متناسب با وضعیت جسمی و روحی آنان، اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های ناموفق در بهبود نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی است.

۶. نتیجه‌گیری

پسته یکی از محصولات مهم صادراتی است و از آن‌جا که تولید این محصول بخش عمده‌ای از تولیدات کشاورزی رفسنجان را تشکیل می‌دهد، وابستگی اقتصاد این شهرستان به محصول پسته زیاد است و خانوارهای بسیاری به طور مستقیم و غیرمستقیم از این طریق امرار معاش می‌کنند. از طرف دیگر، نیاز شدید به نیروی کار در تمامی مراحل تولید و فراوری این محصول می‌طلبد که زنان، که بخش درخور توجهی از منابع انسانی را تشکیل می‌دهند، در فرایند تولید حضور یابند؛ بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مشارکت زنان امری ضروری است. در این راستا، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت زنان از دیدگاه کارشناسان ارزیابی شد. نتایج بیان‌گر بیش‌تر بودن وزن نقاط قوت و تهدیدها از وزن نقاط ضعف داخلی و فرصت‌هاست؛ بنابراین، راه‌برد تنوع در اولویت قرار می‌گیرد. همان‌طور که از نتایج تحقیق برمی‌آید، مهم‌ترین نقطه قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها به ترتیب، مشارکت زنان، انگیزه کسب درآمد، ضعف اعتماد به نفس زنان، وجود بیش از ۱۱۰ هزار هکتار باغ پسته در شهرستان، نیاز شدید به نیروی کار، تعصبات به زن و اجازه حضور نداشتن وی در اجتماع بیان شده است؛ برای تقویت نقاط قوت و فرصت‌ها و هم‌چنین برطرف کردن نقاط ضعف و تهدیدها راه‌بردهایی ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها شامل تقویت مدیریت منابع انسانی و ارائه مشوق‌های مادی و معنوی برای افزایش انگیزه مشارکت زنان، تغییر در نگرش جامعه به زنان و فراهم کردن فضای اشتغال و درآمدزایی آنان، تأمین امنیت مالی و اخلاقی فضای کسب و کار در بخش کشاورزی و کنترل فقر روستایی و افزایش بنیه مالی زنان است.

منابع

- ازکیا، م. و م. پوردولت (۱۳۹۰). «بررسی تغییرات نقش زنان روستایی در تولیدات کشاورزی در سه نسل اخیر»، گیلان، س ۱۲، ش ۴.
- امینی، الف. (۱۳۸۶). «اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوردار، میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها»، *مطالعات زنان*، س ۵، ش ۱.
- بخشی جهرمی، الف. و م. محبوبی فر (۱۳۸۵). «جای‌گاه زنان روستایی و موانع مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه»، *ماهنامه علمی کشاورزی و محیط‌زیست*، س ۳، ش ۳۴.
- پیرسن، ج. و ر. رایبسون (۱۳۸۸). *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک*، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب.
- جمشیدی، م. (۱۳۸۲). «زنان و توسعه روستایی»، *مجله علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد*، س ۲۳، ش ۲۵۷.
- حجازی، ی. م. میرترابی و م. حسینی (۱۳۸۸). «مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی؛ مطالعه موردی بخش آستارای شهرستان کرج»، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره چهارم و دوم، ش ۱.
- حسینی، م. و هم‌کاران (۱۳۸۸). «تغییرات تراکم جمعیت پس‌پست در منطقه رفسنجان»، *دانش گیاه‌پزشکی ایران*، س ۴۰، ش ۲.
- رکن‌الدین افتخاری، ع. ح. سجاسی قیداری و ح. رضوی (۱۳۸۹). «راه‌بردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده»، *فصل‌نامه روستا و توسعه*، س ۱۳، ش ۳.
- سعیدی، م. (۱۳۸۲). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*، تهران: سمت.
- شاطری، م. و م. روستا (۱۳۹۰). «آموزش زنان روستایی و مشارکت آنان در فعالیت‌های کشاورزی؛ مطالعه موردی دهستان خوسف»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ش ۱۹.
- فتوتی، ه. و هم‌کاران (۱۳۹۱). «تبیین نقش مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی؛ مطالعه موردی دهستان شاور شهرستان شوش»، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره چهارم و دوم، ش ۴.
- فرضی‌زاده میان‌دهی، ز. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی؛ مطالعه موردی روستای میانده توابع صومعه‌سرای گیلان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کرمی، ش. ح. آگهی و ع. پاپ‌زن (۱۳۸۸). «ارزش‌یابی طرح آموزش، حمایت و سازمان‌دهی زنان روستایی استان کرمانشاه به منظور تولید قارچ دکمه‌ای»، *فصل‌نامه روستا و توسعه*، س ۱۲، ش ۲.
- گزارش کمیسیون بازرگانی انجمن پسته ایران (۱۳۹۱). *خبرنامه پسته*، س ۴، ش ۷۳.

گلشیری اصفهانی، ز و م. سرایی (۱۳۸۹). «برنامه‌ریزی راه‌بردی نظام زیست‌محیطی روستا با تجزیه و تحلیل SWOT؛ مطالعه موردی بخش گندم‌کاران شهرستان بروجن»، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، ش ۴.

گلکار، ک. (۱۳۸۴). «مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی SWOT برای کاربرد در طراحی شهری»، صفحه، س ۱۵، ش ۴۱. گودرزی، ز. و هم‌کاران (۱۳۹۲). «شناسایی نقاط ضعف و قوت تعاونی‌های کشاورزی در کارآفرین شدن با استفاده از تکنیک SWOT»، کارآفرینان، س ۵، ش ۲۹.

میرترابی، م.، ی. حجازی و م. حسینی (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر و ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی»، مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، س ۱۰، ش ۱. هوشمندان مقدم فرد، ز. و ز. حاتمی (۱۳۸۷). «اهمیت زنان روستایی در توسعه روستایی و کشاورزی ایران»، فصل‌نامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، س ۶، ش ۲۱.

- Acharya, M. and L. Bennett (1983). 'Women and the Subsistence Sector: Economic Participation and Household Decision-Making in Nepal', *World Bank staff working papers*, No. 526
- Arriayada, I. (1989). 'Unequal Participation by women in the working world', *CEPAL Review*, No. 40.
- Fliescher, S. and M. Applebam (1992). 'Spatial Differences in the labour participation of married women: the case of Isroebis peripheral areasin', *Rurd studies*, Vol. 8, No. 5.
- Gill, J. K., M. Dhillon and K. Sidhu (2007). 'Women in Agriculture: Impact of Their Participation on the Home Environment', *International Journal of Rural Studies*, Vol. 14, No. 1.
- Hantington, S. (1991). 'Democracy's Third Wave', *The Journal of Democracy*, Vol. 2, No. 2.
- Idrisa, Y. L, I. M Sulumbe and S. T. Mohammed (2007). 'Socio-economic factors affecting the participation of women in agricultural cooperatives in Gwoza local government, Borno state, Nigeria', *Agro-science Journal of Tropical Agriculture, Food, Environment and Extension*, Vol. 6, No. 2, Retrieved from. <http://www.agrosciencejournal.com/article-111.html>.
- Jethi, R. (2008). 'Participation of Farm Women in Potatao Production', *Indian Research Journal Extension Education*, Vol. 8, No. 1.
- Kamnap, P. (2003). 'The Impact of local People's Participation in Forest Concession Management in Cambodia: A Case Study of the COLEXIM Forest Concession Company in Kampong Thom Province', A thesis submitted Institute of Technology School of Environment, Resources and Development, Thailand.
- Lipset, M. (2002). *Stratification sociology and social inequality*, Translated by Javad Afsharkohan, Tehran: Nika Publication.
- Mathur, A. (1994). 'Work participation, gender and rural development: A quantitative anatomy of the Indian Scenario', *Journal of Development Studies*, Vol. 30, No. 3.
- Oakley, P. (1991). *Project with People: The Practice of Participation in Rural Development*, Genev: Internatinal Labour Organization.

Rowe, Alan J. and Richard O. Mason (1994). *Strategic Management*, New England: Addison-Wesley, Switzerland: International Labour Office.

Sidhu, K. Dhillon, M. K and J. K. Gill (2007). 'Women in agriculture: impact of their participation on the home environment', *International journal of rural studies*, Vol. 14, No. 1, Retrieved from. [http://www.vri-online.org.uk/ijrs/ April2007/Women%20in%20agriculture.pdf](http://www.vri-online.org.uk/ijrs/April2007/Women%20in%20agriculture.pdf)

